مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ، سال چهل و دوم، شماره بیاین، بهار و تابستان 1389، ص 39-46

سامانیان و نقاب حسینی نیشابور

دکتر محمدعلی کاظمی‌پیکی
دانشگاه تهران
Email: mabegki@ut.ac.ir

چکیده
در عصر عباسیان، نقاب نهادی سیاسی - دینی با کارکرد های اجتماعی بود. نقابت علی‌ونان در نیشابور، کرسی خراسان، از اواخر عصر سامانی به علی‌ونان حسینی بنو زیاره محله بود. اما امیر نوح بن منصور سامانی (حکم 372-376 ق) این منصب را به یک علی‌ونان انتقال داد که اخلاف‌نشی در مورد شرکه یزد و شیراز کردن رونمایی اجتماعی - اجتماعی نیشابور، به برخی علی انتخاب اولیه بنو زیاره از سوی امیری مقدام وجدایی انری نوح در سیاست سفارش اختصاص دارد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تامل‌هایی بین تعدد اجتماعی - مذهبی نقایش و تعدد سیاسی اش به امکان سامانی‌که از نظر بی‌نظر و تحسینی نقدی زندگی‌نداشت، موجب آن توجه‌ی زندگی سامانی‌که از نظر بی‌نظر و تحسینی نقدی زندگی نداشت، موجب آن توجه‌ی زندگی سامانی‌که از نظر بی‌نظر و تحسینی نقدی زندگی نداشت، موجب آن توجه‌ی زندگی سامانی‌که از نظر بی‌نظر و تحسینی نقدی زندگی نداشت، موجب آن توجه‌ی زندگی سامانی‌که از نظر بی‌نظر و تحسینی نقدی زندگی نداشت، موجب آن توجه‌ی زندگی سامانی‌که از نظر بی‌نظر و تحسینی نقدی زندگی نداشت، موجب آن توجه‌ی زندگی سامانی‌که از نظر بی‌نظر و تحسینی نقدی زندگی نداشت، موجب آن توجه‌ی زندگی سامانی‌که از نظر بی‌نظر و تحسینی نقدی زندگی نداشت، موجب آن توجه‌ی زندگی سامانی‌که از نظر بی‌نظر و تحسینی نقدی زندگی N.

کلید واژه‌ها: نیشابور، نقاب، علی‌ونان، سامانیان، فرهنگ اسلامی

* تاریخ و صفحه: 1389/12/11، تاریخ نصیب‌نامه: 1388/12/11.
مقدمه

هنگامی که عباسیان برای توجیه مشرویت خلافت خویش مفهومِ "اهل البيت" را وسعت بخشیدند تا شامل آن شوند، راه برای شناسایی و تبیین «شرافت» خویشی اجتماعی، موسوم به "اشراف" در جامعه اسلامی همراه گردید. پی ان بر تعیین عضویت اجتماعی، این گروه اجتماعی تنها اخلف و احفاد اعماق پیامبر اسلام(ص)، بعنی عباس بن عبدالطلب (نیای عباسیان) و ابوطالب بن عبدالطلب (نیای طالبان- علی‌وردان) را بر می‌گرفت که در طول زمان در سراسر جهان اسلام منتشر می‌شدند (Arendonk, 329).

سرپرستی امور این گروه که به سبب خویشآوندی با پیامبر(ص) از اختراح اجتماعی برخورد به بودن، و نیز نظرات بر رفتار دینی، اجتماعی و سیاسی ایشان پیدا شد، منصب تنبیه (نقبه الامیر) را کارکردهای اجتماعی و سیاسی- دینی دری کردند. از قرن سوم هجری تا نیایها در شرایطی تازه و مسیحی مشترک بودند. در اهمیت سیاسی و دینی منصب تنبیه به این مختار بسند می‌شد به نظرات بر رفتار رقیب دینی عباس به ویژه مدعویان علیه خلافت که فرق مختلفی شیعی خوود را به آنها منتسب می‌کردند، در حوزه وظایف تنبیه (جمع؛ نقبا) (Arendonk,333; Havemann, 926:cf) قرار داشت.

در مورد نیشبور پیشتر آر. دابیو یونک. نشان داده است که در دهه‌های پیشینی نباید دور دور جهان مهربانی نقبت علی‌وردان آن شریعت مصر از سوی اعراف سامانی در خاندان یکی از احفاد امام حسن بن علی(ع) موسوم به ایوبی فریپ داوود بن محمد الحسنی موروث شد (Bulliet, 234 ff)، این در حالی بود که در عصر متقدم سامانیان نقبت موروثی نیشبور را یک خاندان از علی‌وردان حسنی بی نام آل زیده برعهد داشتند (نک).

1. سمعانی (1273) در مورد تلفظ شهرت این خاندان تصریح کرده است: الزرایی بضم الراز و فتح الباش المنفوطة بوحدة و قطع أخرها للراز، ق. این الکثر الیس با ذیلیک‌الأساطیس، 2: 49.
توسعه نیشابور(قرن 3 ق)
برای شهر تاریخی نیشابور، دوران حکومت عبدالله بن طاهر (۱۲۱۶-۳۰۰ ق) که کرده خراسان را از مرو به آنها انتقال داد (۲۱۶ ق)، سرآغاز تحولات فراگیر بود که در عصر سامانیان مراحل تکاملی آن ادامه یافت. در ۳۷۶ ق سه حواله (۴۳۲/۲) یک نقض مهم طاهریان در تحولاتی که به گسترش و آبادانی شهر، افزایش ثروت و ارتقای فرهنگی آن منجر شده بود، تصریح و تاکید کرد. این توسه‌ها، افزون بر عوامل سیاسی طاهریان، از استعداد طبیعی منطقه و موقعیت جغرافیایی خود شهر نیشابور نیز ناشی می‌شد.
وجود منابع کافی آب و خاک حاصلخیز، رشد کشاورزی در نیشابور را ممکن کرده بود و به ویژه آن که عبدالله بن طاهر افروز بن قاآنمند کردن بهره برداری از کاربردیه بر لزوم توجه به معیشت کشاورزان و عدم اجحاف به ایشان تاکید می‌کرد (کرده‌ی،۳۱۰) این شرایط توسه کشاورزی در نیشابور را به‌گونه‌ای در پی آورد که بازتاب آن را در منابع جغرافیایی قرون سوم و چهارم هجری به خوبی می‌توان پذیرفت. این منابع بر آبادانی نواحی روستایی و توسعه نیشابور تصریح کرده‌اند. به گفته ابن الفقیه (۳۱۸-۳۱۹) نیشابور تا ۲۹۰ ق دارای دوازده استان بود که هر یک ۱۱۰ روستا داشتند (هم چنین نک. حفظالعالم، ۸۹-۹۰).
توسعه نیشابور ابعاد دیگری نیز داشت، وجود منابع گنی تر و زیرزمینی همانند فیروزه، مس سرب، آهن و غیره در حومه آن (حدود العالیم،۹۰، ابدلیف،۸۹) این حوالی/۴۳۴/۳، مقاسی (۳۲۳/۳)، استخراج معادن را یکی از مدارهای معیشت کرده بود، که تا ۲۲۳ ق و اکثری معادن نیشابور به پیمانکارها سالانه ۷۸۷۲۰ درهم برای خرید سامانیان درآمده داشت (مقاسی،۳۲۰، خ.ل.۴) این معادن بخشی از مواد اولیه نیز را
برای صنعت گران و هنرمندان شهر را فراهم می‌آورد. به ویژه آن که صنایع دستی خود بخش مهمی از فعالیت‌های اقتصادی و معیشت اهلی شهر و توانای آن را تشکیل می‌داد. در قرون سوم و چهارم هجری تولیدات کارگاه‌های پارچه‌بافی نیشابور ب بهبین کیفیت خوب آنها شهره بودند و در مناطق مختلف جهان اسلام و غیر آن خواهان داشتند (ابن الفقیه، ۲۳۵-۲۵۴؛ قس. ابن حوقل، ۴۳۲؛ اصطخری، ۲۵۵-۲۵۶؛ حداد العالی، ۸۹). ۱

چرخه اقتصادی نیشابور را بازگانی کامل می‌کرد. واقع شدن در محل تلاقی دو شاهراه شرق به غرب (بغداد - مادربانانه) و جنوب به شمال شرق (شیراز - مادرانه) این فرصت را برای آن شهر فراهم آورد که به عنوان تولید کننده و واسطه، نقش و بهره‌بردار را در تجارت داخلی و خارجی سرزمین‌های خلافت شرقی حفظ کند (برای آگاهی از این راهه و مسافت‌های آن‌ها، رک. ابن خرداوه، ۲۳۶-۲۵۰؛ ابن الفقیه، ۲۳۶-۲۵۸). تخمین موجود در باره وسعت شهر در قرن چهارم هجری - حدود یک فرسنگ مربع - و ویژگی‌های بازار بزرگ آن که محل استقرار بازگانی بود. بر رشد سریع شهر و رونق تجارت آن لاله‌دار دارد (همان چهاره، ۱) ۲

توسعه تیزیکی و اقتصادی نیشابور با ارتقای فرهنگی عمرانی بود که آن نیز به عصر و سیاست‌های عدلی بن طاهر در زمانهای دینی (بکریه، ۲۳۵-۲۴۷ و همگانی) کردن علم بازمی‌گشت. او باور داشت که علم به ارزانی و نازاری باید داده (گردنیزی، ۲۳۶). ابوبکرالله حاکم نیشابوری در تاریخ النسیوریان (تأليف ۲۸۸ ق) ۱۸۶ تن از اصحاب، محدثان و اهل علم را که تا آغاز قرن چهارم هجری در آن شهر بودند، معرفی کرده است (تاریخ نیشابوری، ۲۷-۴۷). و وجود ابن شمار چشمگیر، یا دالنت‌بر رواج حلقه‌های درون دینی در نیشابور، روش‌گری این علمی و توسعه آن در عصر

---

۱. راجع به تولید انواع پارچه در نیشابور، رک. مقدوسی، ۳۲۳-۳۲۴.
۲. برای مشارکت‌بریزی کارگاه‌ها از تجارت و محترمهای نیشابور به نیمه‌دام قرن چهارم هجری رک. مقدوسی، ۳۲۶-۳۲۷.
پهار و ناپشن (۸۹)

طاهران و بعد از آن است که تعدادی از تجار نیز در آن نقش داشتند(همان جا،
فهرست اعلام، ۴۲۰-۳۵۵، ذیل النجرا).

بذن ترتیب از عمر طاهران، تیشنابور نه تنها مرکز سیاسی و ایالات تروتمند
خراسان، بلکه محلی پرچمی برای طالبان مقام، ثروت و علم گشته که از فواید دور
و نزدیک به آن جا می‌شناختند تا با دستیابی به مقام حکومتی، اراضی کشاورزی، تجارت
و علوم دینی جایگاه و نقش اجتماعی مطلوب خود را به دست آورند. این جایگاه با
نشان‌های طاهری نیز همراه بود، چنان که اهل علم و تجار پوشش خاص خود را
داشتند (مقدسی، ۳۲۸ و همان جا، خ. ۱). افزون بر آن که فضای حاکم بر تیشنابور به
نوبه خود زمینه فعالیت و حرکات فوق و نفوذ گرایش‌های عقیدی گوناگون را در شهر
و حومه آن فراهم می‌آورد(نک. دنباله مقاله).

جاکاه اجتماعی علی‌های حسینی (بین زیاره)

ساختار قومی تیشنابور در قرن سوم هجری آمیزه‌ای از بومیان و اعراب بود که بر روی
مهاجرت به تیشنابور دلائل دارد(یعقوبی، ۲۷۸). از جمله این مهاجران می‌توان به
تعدادی از علی‌های آذری کرد که از دوران طاهران داوطلبانه یا به اجبار در تیشنابور
سکون شده بودند. در میان علی‌های که داوطلبانه به تیشنابور مهاجرت کرده بودند، باید
از ابوعجفر احمد بن محمد الزبارة بن عبدالله بن حسن المکفون بن حسن الافضل بن
علي الاظهر بن الزین العابدين علی بن الحسن بن علي(ع) و ابوعبدالله الحسین بن داود

۱. خراج نقدی خرسان در دوران عبدالله بن طاهر در ۲۱۲ ت. ه. در هم لیست شده است که
۴۴۸۴۹۰۰۰۰ درهم آن سهم تیشنابور بود (بن خردایه، ۲۴۳ برای آگاهی بیشتر، رک. یا. فیضه، ویراسته‌ی همادی).
۲. برای مهاجرت طالبان علیم، رک. حاکم تیشنابور، فهرست اعلام که براساس نست‌نتظم شده است، برای
سفر به تیشنابور با هدف تجارت و علم در قرن هفتم هجری، در مقدسی، ۳۲۸ برای استناد، نک. به اقدام
عمر بین یک تا میل سیزی، همین. ۳۱۷.
۳. برای علی‌های که به سبب تحرکات سیاسی دنکرگر و در تیشنابور زندانی شده بودند، رک. اصفهانی، ۴۹۰.
۴.۳۶۰، ۳۴۰، ۳۵۰، ۳۶۰/ ۲، اسفند، ۱۳۹۰/ ۲.
بن علی بن عباس بن محمد بن القاسم بن الحسن بن زید الحسن بن علی(ع) تأم برده که ظاهرهاه هر دو شیعمه زیده مذهب بودند. ابوجعفر احمد بن محمد زیباره در دوران مؤسس حکومت زیده علیان در طبرستان، حسن بن زید حسنی ملقب به داعی کبیر(حکه. ۲۵۰-۶۸۳ق)، مدتن را در آن ولایت به سربرده بود. اما به دنبال رقابت و منازعه با داعی، به نیشابور گریخت که تحت حاکمیت خشم بر امری عبدالله بن طاهر بن عبدالله (حکه. ۲۵۸-۶۸۹ق) قرار داشت(بهبهانی، لیلاب، ۲/۱۹۶۲: همس، تاریخ، ۲۵۴؛ قنس این طباطبایی، ۳۳۸). در مورد حسین بن داوود حسینی گفته است که پدر او نیز ابتدای سرائیب داعی بود و پس از جندی رابط‌الشیعه با ایشان شد. از فرزندان داوود، حسین از طبرستان به نیشابور مهاجرت کرد(بهبهانی، لیلاب، ج ۲/۱۹۶۲-۱۹۷۳).

ویژگی‌های پیش گفتگوی نیشابور تبعات خود را با سکنه آن داشت. از منظر اجتماعی، رشد تولیدات کشاورزی، صنایع دستی و نیز پارک‌گاهی در کنار افراش شروت، زمینه ساز برآمدن تدوینی طبقات با نفوذ شهری شامل اهل حرفه، تجار، سارمان حکومتی، عالمان و چهاردهی دینی شد که به عنوان گروهی اجتماعی در روابط‌های محلی نیمه دوم قرن سوم هجری شروع به نقش آفرینی کردند(نیک دبیلی مقاله). در این ساختمان، علیان از همان دوران طاهریان، جایگاه و احترام شاخص‌های داشتند. جنگی که عبدالله بن طاهر بن عبدالله دختر برادر خود علی بن طاهر را به هم‌سرای ابوبکر معامله بین احمد زبان درآورد(بهبهانی، لیلاب، ۲/۱۹۶۲؛ ابن عنبیه، ۴۲۶) برای ایشان مقدمه‌ای در کنار مدعی امری طاهری اختصاص داده شده بود که درباره آن آمده است:

پسری از سادات علیان در بالای آن مقربر(طاهریان) در حظیره‌های که منسوب است به اهل بیت، اسدوده‌اند. در این حظیره است روزه مقدسة می‌سپد شهید الامام ابو جعفر الصوفی و محمد بن جعفر ابی الحسن بن علی بن عمر بن الحسین بن ابی‌المؤمنین و عسوس المسلمين کرم الله وجهه و قبر سید بزرگوار امام(ع) جعفر بن زبی و دو پسر و احفاد ایشان، رضوان الله علیهم اجمعین(حاکم نیشابوری، ۲۳۰).
شهرت ابن مقره در فرنج صهارم هجری به «مقبائل الحسینیون»، به گواها پرتر
علی‌الداهی به ویژه بنو زبانه بر سایر علی‌الداهی به خصوص بر حسنی دادا، داده بود.
(اصطخوار، ۱۳۵۵، این ۴۲، ۲/۴۲). 

چهره‌های دینی نیشابور و خلا قدرت سیاسی 
از دیدگاه سیاست، گسترش نیشابور برابری خود را داشت. مرکزیت و ثروت بزودی
آن را به هدفی وسوسه کند که برای حکمرانان و خانه‌ها همچون سران نظامی جاه طلب،
ماجراییان و نیز برخی از تبعیض، تبدیل کرد که از بهره‌گیری از
ضعف دستگاه خلافت عباسیان و حکمرانی طاهریان شانس خود را برای نفوذ در این
شهر و حکومت بر آن می‌آزمودند. از زمان استبدال یعقوب بن لیث بر نیشابور که به
حکمرانی طاهریان در خراسان خانه داد (۲۵۶ ق) این شهر به دهه رقصه رقابت‌های
نظامی بنو سپه، احمد بن عبدالله خستگی‌یافته، رافع بن هرمه و عموی بن لیث شد نا
آن که امیر اسماعل سامانی با شکست دادن عمره (۲۸۲ ق) و انضمام خراسان به قلمرو
خود، نظم و آرامش را به نیشابور برانگرداند (نگ. زرین کوب، ۲/۱۰۸ بعده بعد).

سال‌های متوالی نابسامانی سیاسی و ناتوانی سپریاراهی اسیری به ویژه چهره‌های
دینی نیشابور را چرخش بود که اکثر آنان بر عوض توقف بنو زبانه. ژر
عمر بند و مفرامعی - نه تنها فقه - عهد مبتکر اصرار مسیحیانی خلیفه عباسی
برای حکومت بودند (در پایان هریم‌دنی خلفای نیشابوری، نک. تاریخ
سیستان، ۱۳۲۸-۲۲۳۴). بکه از میان ایشان عقیقوت کن لیث و رافع بن هرمه که در
نیشابور خطبه به نام محمد بن زید علی و حکمکردن زیارتی طبرستان کرد (۲۸۴ ق). عملاً
برای برانگردانی دستگاه خلافت، بعنوان نماد مذهبی تنمن، می‌کوشیدند (طبیعی، ۴/۲۱۵۱.
تاریخ سیستان، ۲۴۳. اخرون آن که دست به دست دادن مکرر نیشابور ضمن تحمیل
خسارت بر شهر (حاکم نیشابوری، ۲۱۰ این اثر، کامل ۳/۲۷۷۰، نمی‌توانست بدون
سالهای متوالی خلاً فردت سیاسی و نامنی در نیشابور تدریج زمینه ساز ابراز وجود گروههای اجتماعی پیش گفته به شکل و آتش به شرافت نامطلوب حاکم گشت که در مورد برخی از آنها اگاهی هایی در دست است. به عنوان نمونه، در دوران ضعف ظاهریان یکی از اموران اخلاقی‌های موسوم به اپوله‌ایم خالد بن احمد الاهلی با یعقوب بین لیث همدلی داشت. وی که سرامج در زندانی در بغداد در گذشته (۱۲۹ ق)، از علاقه‌مندان و مربیان علم حديث شرق ایران بود (سماعلی، ۳/۸۸). این نیز دانسته است که در دوران حاکمیت همواره با ظلم و جور خجستانی، ریاست مظووعه نیشابور را ابو زکریا یحیی (حیکان) بن محمد بن عبدالله این خالد الاهلی ب عهدی داشت که پس از پدر، امام و مفتی اصحاب حديث (شنفیع‌ها) شهید شده بود. به سال ۲۷ ق وی در پاسخ به درخواست ناراضیان از جمله مظووعه و فقهایی که برای رهايی از خجستانی، حکومت مورد تایید خليفة عمو بن لیث حمایت می‌کردند، به سازمان دهی حركتی شهری مبادرت ورزید و با تدوین روابط به هزار هرند محلگر اورد. این حركت از آن روی عقیده گشت که خجستانی با فتنه انگیز و دامن زدن به اختلاف مبانی اصحاب حديث و پیروان مكتب فقهی عراق - اصحاب رای (حنفی‌ها) موفق به پراکندگی کردند مخالفان شده، ابووزیری یحیی را دستگیر کرد و به قتل رساند (پارماکی، ۳/۱۲۶، این اثر، الکامین، ۷/۹۰۰-۱۰۰۰، قسم. خطیب البغدادی، ۱۴/۲۰۲-۲۲۲، آن گاه خجستانی در صدد قتل محمد بن نصر الجارودی، فقیه صاحب نام حنفی، برآمد که وي موفق به قرار شد (سماعلی، ۲/۳۲، ذهبي، تاریخ، ۲۲/۲۰۰۲). در همین رابطه اطلاعاتی از اقدام خجستانی به زندانی کردن عقیل بن عمو را نیز در دست است که خاندانش سه نسل خطیب نیشابور بودند (سماعلی، ۲/۳۸۴) یا تساوی این گونه تحركات، به رغم
سامانیان و نگاهت علیوان زبایری

در منابع موجود ذکری از اقدام‌های سیاسي بنو زبارة در شرایط سیاسی حاکم بر نیشابور در نیمه دوم قرن سوم هجری به چشم نمی‌خورد. شاید این بی‌تحرکی از آنجا ناشی می‌شود که خجسته‌ترین (طبری، ۱۲۴۷، ۱۲۴۵/۱، این اثر، کامل، ۷/۴۲۲، این خلکان، ۶/۴۲۲) و رافع بن هرثه(ابن ابی‌الکمر)، ۷/۳۸۸، این خلکان، ۶/۴۲۲) یکی
چند مدعی تجدید حکومت طاهریان بودند که علیوان زبایری با ایشان خوش‌اشتند. در دوران استیل امیر اسماعیل سامانی بر نیشابور (۲۸۲-۲۹۴ق) نیز
سیاست‌های او جایی برابری تحرکات سیاسی بانکی نمی‌گذاشت. وی یک حرفه‌پذیر بود و به پردازش مناسب‌سازی حسنه بالغ‌ترین فقه‌ای اصلی، که در حکومت‌نشین ایفا
کرده بودند، اهتمام داشت (ترشخی، ۲۱، ۱۰۸-۱۰۹) به استعداد و روایت خلاق
علاوه‌نگار نشان می‌داد و با یک علیہ علوم اسلامی اعتبار و احترام فعال بود (حاکم
نیشابوری، ۱۸۲، ۳، سمعانی، ۳، ۱۱۰-۱۱۱، به رغم پیروی از فقه حنفی در نیشابور
می‌پردازند خوردن خود را به شافعی‌ها نشان داد و براساس توافقی محمد بن مسعود
خزیمی، عالم سنتی‌سنی شافعی، یک فقهی حنفی مذهب را که آن را تهیه بود، به منصب
قضا مصوب کرد (۶۲، ۱۲۴۷) افزون آن که نه تنها به قضا و گسترش قلمرو اسلام
اهتمام داشت (نک. طبری، ۲۱۰، ۵۸۳، این اثر، کامل، ۷/۴۲۴-۴۲۵) بلکه «پیوسته خلیفه
را اطاعت نمود و در عمر خوشی به کلیه عاصی نشست و قوی‌مان و را
به خلافت استوار داشت» (ترشخی، ۲۱۰). بی‌تردیج نیز سیاست‌هاي محتذان و فقه‌ای
نیشابور را در صف حامیان امیر اسماعل قرار می‌داد. احترام به اهل علوم دینی و برمیا
کردن مجالس مناظره برای ایشان در دوران جانشینان امیر اسلامی نیز ادامه یافت و برای سامان‌نامه به پرسن تبدیل شد. (مقدسی، ۳۲۳-۳۲۴)

امیر اسلامی در قبال علویان نیز مشی خود را داشت. به رغم ساقط کردن حکومت محمد بن زید علی، در طریقت قرن پس از وی، بیهقی به اعمال وی در مناطق اطراف علویان اشاره دارد. (رشته‌ی ۲۲). در خصوص علویان نیشابور، سربرسا امیر ایشان از سوی امیر اسلامی یا جانشینش امیر احمد بن امیر اسلامی (۲۹-۱-۲۷۶ ق) به ابوعلی محمد بن احمد زیاری (۲۱-۱۳۷۳ ق) محول گردید که در مباحث از او عناوینی جهت ایشان و «شیخ طالب‌نامه‌ی» نیشابور و خراسان در آغاز قرن چهارم هجری یاد شده است. (بهقی، لیبان)

ابوبکر محمد زیاری خود از اهل علم و محدثان نیشابور محسوب می‌شد. وی از فرمان روابط که از حسین بن فضل الکلی شنیده بود، آثار فضل بن شاذان نیشابوری عالم امامی مذهب (د) ۲۷۰ ق) را از شاگرد اولی تقلید کرد و نقل می‌کرد (همان جا) چنین به نظر می‌رسد که در انتخاب ابوعلی محمد از سوی سامان‌نامه به تقاضای افزون بر سابقه مخالفت علیان زباری با علیان دیگر علویان طریقت و نیز عدم مداخله ایشان در تحولات سیاسی خراسان، عامل دیگری هم می‌توانست مؤثر واقع شده باشد؛ و برخلاف پرادرش ابوالحسن محمد بن طاهریان خوی‌آورندی داستان‌زد از کتاب سیاست، آن را نیز توجه‌ی برای دعاوی سیاسی و حکومت قرار داده.

به هر روی، ابوعلی محمد بن احمد به عنوان تقابل و ظاہر و مستقیم همان‌گونه که از قرن نهم تا ساده‌تانه سده‌ی سوم به‌یک تفاوت با پسون بزرگ و موضوع محور در به‌یکی و همچنین امور مالی و معنوی علویان، مسائل اخلاقی و رفتاری ایشان را راه که اهمیت سیاسی به‌یک به‌یک در برگرفته و در این زمینه‌ی خاص در
نیشابور و چالش‌های سیاسی - فرقه‌ای چهارم هجری

موقعیت امیر اسماعیل در حذف رقی (از جمله حکومت علیوندان زندی طرستان)، اعادة صلح و آرامش و نیز سیاست مذهبی اوربرای نیشابور ثبت و امتنع به دنبال داشت. 

بی‌توجهی این شرایط از سوی اهلی به ویژه علماهمان شهر استقلال می‌شود که تعدادی از ایشان خود از فعالان اقتصادی و فرهنگیان پرده‌بردارند. در پژوهش‌های جدیدی از اینجا به عنوان حامیان سامانیان نام برده شده است (بارتونژ، 1/87؛ زرین‌کوب، 2/87). به هر روی آرامش حاکم بر نیشابور پس از امیر اسماعیل (د.۱۹۵۳) دوام چندانی نداشت.

جانشین او، امیر احمد بن اسماعیل به زودی در توطئه درباریان به قتل رسید (۳۱۳). به گزارش این ظافر الارذی، تصمیم امیر احمد برای تنیبی کتابچه ریشخوار خویش ابولحسن نصرین امتحان، موجب پیش‌گاهی نتوانسته گران شده بود (۳۹۵-397).

به سال ۳۰۱ هجری که در بخارا 「عندای و حرم」 در دوره امارات نصر پسر خردلس امیر احمد به توافق رسیدند، ره برای اشکالگیر اور هم‌روش وی مجدداً به وزارت او را شخصیتی مدیر جن ابوعبدالله محمد بن اماددین جهانی داشت (گردیزی، ۳۲۹، س.نشری، ۱۳۰۱). نیشابور با ویژگی‌های پیش گفته به سرعت مطمئن‌نظر مدعاوی استقلال گشت؛ ابتدا شورش ناموفق حاکم خراسان، ابوزیدمنصور بن اسحاق.

1. مجموعه ابن وظیفه را تدوین بر ماوری و ابن فرید، به‌نفع‌الله (۱۳۷۳-۱۳۷۶) ترجمه کرد. است.
2. به عنوان نماینده علیوندان ستون‌بی‌ريح به سکته گر از علیوندان (حاکم نیشابور) در (۱۹۳۴) برای اسامی این افزاده، نه ماندنگیکه هم‌ساکtor، تک‌طراحی؛ همچنین ایستاده‌ی اسکریپت مادر نیشابور. مادر نیشابور. مادر نیشابور، به سیر لیست اعلام. (۱۳۸۴) این نشر (۱۹۳۴) ابلویف، مؤلف به الحسن ماسرچی (۱۳۷۳-۱۳۷۴)، ابویوره محمد بن احمد بن لیوبی (د.۱۳۷۴-۱۳۷۵) رک سیلیشی. (۱۳۷۱، ۱۳۷۶-۱۳۷۷) همچنین نک. حاکم نیشابور، تهران اعلام، خلیج تاج‌رود.
ساملانی، عليه امیر نصر را تجربه کرد (۳۰۴ ق) آن گاه حسین بن علی مرورودی- از فرماندهان سیاه احمد- شریک را به تصرف خود در آورده که نیروی اعزامی از بیماری، به سالاری احمد بن سهل، نیشابور را باز پس گرفت و حسین بن علی اسیر شد (۳۰۶ ق) تا مدتی بعد با در میان ایوبیان جهانی آزاد شد و ماره به دربار امیر نصر راه یافت (ابن تیره، اکمال، ۸۲) می‌گردد.

برای نیشابور حکومت احمد بن سهل خود مرحله جدیدی بر اساسمنی بود. به‌دست اول نیز عصبانیت پدید کرد به نیشابور و نام (امیر) سعید (نصر بن احمد) از خطبه بیفکنده، با تلخ‌های نظامی حمودی بن علی، سیاه‌سیر امیر نصر، استقلال خواهی این داعیه و یافته (۳۰۷ ق) و احمد بن سهل به قتل رسید. (کربنری، ۳۳۸) اما این موضوع را پس از دوام نبود؛ به‌زودی نیشابور به تصرف لیلی بن سمان، سردار حسن بن قاسم حسنی، حکمران زندی طبرستان، درآمد (۳۰۸ ق). این بار نیز حمودی بن علی با درهم شکستن سیاه لیلی و استقرار در نیشابور (۳۰۹ ق) دوباره آن را بخشی از قلمرو ساملانی کرد (برای موضوع این روی‌بندیها، ر.ک. بارتونلی، ۱/۱۵-۲۰، ۱۹۷۱-۱۹۷۲).

رویدادهای سیاسی - نظامی اخیر با تحولات دیرگی همره و حتی بعضی وابسته

بودند که جبه عقیدتی داشتند. سابقه این تحولات در چارچوب مذهب رسمی بود و دران طاهریان و نور ایوبیان محمد بن گرام (د ۲۵۰ ق) باز می‌گفت که ما طرح آرا خود در زمینه‌های تنش و تجسم به تکفیر مذاهب تسنن و تشیع پرداخت. زندان محمد بن طاهر بن عبدالله (۳۴۸-۲۵۲ ق) نیز نواستنی مانع از گسترش عقایدی ای در میان رستاوانیان، نساجان و شرایف فردست نیشابور شد که به کرامه معروف شدند. از دهم‌های آغازین قرن چهارم اندیشه‌های محمد بن گرام با تأثیر در میان علمای اهل تسنن (حاکم نیشابوری، فهرست اعلامت، ذیل کرک، ج) به چالشی جدید برای اصحاب حديث و اصحاب رای شهر تبدیل شد، بود (Bothworth, ۶۶۷).
بهار و نابیستان
89
سامانیان و بهرام سینی نیشابور

تهیه دیگر، برای مذهب رسمی از جانب فرقه‌های شیعه بود که بی‌تردید از ادوار قبل دارای پیروان خود در نیشابور و مناطق مجاور آن بودند. زیدیه، چنان که اشاره شد، چند بار شناس خود را برای استیلا بر نیشابور آزموده بودند که عقیده مانده بود.

تشیع اثنی عشری نیز ماینیگان خود را در نیشابور داشت. در میان شخصیت‌های متقدم آن می‌توان به افرادی جون ابن سقیمان داود بن ابوزید از اصحاب اسماع‌هادی (ع) یا ابن ندیم، (الفارسی، الفهرست، ۱۲۴) ابومصوص الکرم النسبی (همو، ۳۷۷) و به ویژه محمد بن شاذن منکم و فقهی معروف اشکار کرد که برادر منابع اثنی عشری، در عصر غیبت صغری (۱۳۰-۳۳۴ هـ) با حضرت مهدی (ع) ارتباط داشت (الصدوقی، ۴۸۸-۴۹۰ هـ).

از مرجع‌شان مطعه بود (همو، ۴۴۳ تا ۴۵۳ هـ).

سه‌بلیک بر نیشابور به چشم نمی‌خورد که بی‌تردید باشد از آن می‌تواند به مسائل ناشی از غیبت صغری مربوط باشد. با وجود این نباید اثنی عشری‌های نیشابور را اقلیتی متفاوت محصور کرد. فیروز آثار کرده فضل بیان نشان داده‌اند که با دقت و حساسیت تحولات عقیدتی و مذهبی منطقة زیر صدر دَشت و نسبت به آن‌ها از منظر اثنی عشری بدلیل که برکت‌های بود، ادعا نشان می‌داد. از جمله تأثیرات فضل بین شاذن می‌توان کتاب الدّرَ علی ابن کرّام و کتاب الدّر علی الباطنیّة و الفراغه تشکیل نام برد که در کتاب رده‌ای به تألیف‌های خوارج، مرجعیت، غلات و ثبوتی، ضمن نشان دادن انسان و نجوم فعالیت مؤلف، بر نشست آرای در نیشابور و شرق ایران دلالت دارد (نچاشی، ۶۲۲-۳۰۷ هـ، الفهرست، ۱۹۷-۱۹۸ هـ).

شکر فضل ابوالحسن علی بن تیمور بازداری در نیشابور. بود (همان چا) ابنعلی محمد بن احمد زباره نیز غلب علی‌بان شهر و برادرش
حضور فرهنگ شیعی اسلامی در خراسان و شرق ایران با تأخیر بود. در پژوهش‌های جدید آغاز فعالیت ایشان در ایلات جبال در دهه‌های آغازین نیمه دوم قرن سوم هجری و در خراسان که عقب داعی اسلامی در نتیجه واکنش قبیله‌ای موسوم به عبدالله الزعفرانی از ری به آن چگونه، دیرتر بود (برای مشروح این تحولات، نکرده‌اید، ۱۳۱۳-۱۳۱۴، و نیز: ۴۶) رضازاده، ۱۹۰۱-۱۹۱۰; Dafary, ۱۳۰۷) تبیین‌های این فرهنگ در خاور شکل رسمی و منظم بلافاصله، نیشابور محل استقرار داعیان اسلامی شد. از دهه بایاتی قرن سوم هجری ابتدا ابوعبدالله الحادث و سپس جشن‌بیان ابوباسی اشراقی (از حدود ۳۰۷ ق) سرتار دعوت خود را در آن‌جا بریا کرد. بودن. در نتیجه فعالیت ایشان گروهی کهنی از رؤسای و اصحاب صالحی نیشابور به مذهب اسلامی به در آمدن (مقبره ۱۸۶۱; قس. این ندم، ۱۳۲۹) نویستگان ضد اسلامی، حسین بن علی مربوطی را که بیشتر به استیلا نظامی و داعیه استقلال ایشان، نیشابوری اشاره شد، اسلامی به مذهب معرفی کردند. با همین الشیری، حسین بن علی مربوطی داعی جشن‌بیان اشراقی شد (ابن تذکری، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴؛ نظام الملل، ۱۳۶۳؛ همدانی، ۸۴؛ کاشانی، ۸۲).

بدین ترتیب آن‌چه در نخستین دهه قرن چهارم هجری در نیشابور رخ می‌داد

دامنه‌ای کستره‌ها با ابعاد سیاسی، نظامی، مذهبی و اجتماعی داشت که به رغم سنگوت

۱. از دیدگاه شاهزادان نیشابوری فصل بن شیبانی می‌توان از ابولحسن محمد بن اسحاق بن بند قی ابتدا نام برد که روایت‌های متعدد در اکفان آمده است، نک. محمد جعفری، محمد یحیی طاهر الخراسانی، اکیل المهنی، تحقیق مطلب، ۱۳۵۴.
خلاصه اباواحبس محمد بن احمد زباري و کارکرد منصب نقابت

آگاهی درباره اقدامات ابا‌حبس محمد بن دان کارکرد می‌باشد. مجموعه اطلاعات موجود، تاریخ ابا‌حبسیون نوشته ابوبکر حاکم نیشابوری (326-327 ه) است که بخشی از مطالب آن در مورد ابا‌حبس محمد زباري را در آثار ابوسعود عبدالکریم بن محمد السعوی (565 ه) و به ویژه ابا‌حبسی بن زید الیهیقی معرفی به این فرد (د. 565 ه) می‌توان یافت. هر چند که در ترجمه مختصر تاریخ النسابیون به خامه محمد بن حسین خلفه‌گر نیشابوری در فرآیند هیجده، به رغم ذکر نام ابا‌حبسی بن زباري، اشاره‌ای به نواحی او برایه به دست گرفته ندارد. است (حاکم نیشابوری، 156/ 333). اظهارات این فرد را انساب نویسناد ادوار بعد تقریب کرده‌اند که در میان ایشان تنها این منبع (د. 326 ه) مطلبی افزوده مورد روی‌بودن نیشابوری ثابت می‌گردد.

به هر روی، چینه به نظر می‌رسد که نابسامانی حاکم بر نیشابور این فرصت را برای ابا‌حبسی بن احمد زباري فراهم کرده که مخصوصا خلافت شهد و مردم را به بیعت خود فراخواند. می‌توان حس زد که لزوم خانه مادری به شرایط موجود ظهور کرده است.

1. اکبرچه امام فخر رازی (الشجرة الموارکة، ۱۲۴) مطلبی را از تاریخ نیشابور حاکم نیشابوری نقل کرده است.
سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی را با مذهبی یک یا دو داشت. می‌توانست محور دعوت وی باشد. این اقدام ابوالحسن محمد که به گفته حمایت نیشابوری دعای انگیز حافظ قرآن، مورد راه اشعار، حافظ ادبیات، یادی حق و لمسی فاصح بوده، مورد استقبال اهلی نیشابور، با ساختار اجتماعی یک یا دو گفته آن قرار گرفت. گروهی بسیار از امرا و فرماندهان و طبقات شریعه (سمعانی: طبقات انسانی) با او بعنوان کردنده که به روایت مخاطبان به ده هزار تن بلغ شد. بیشترین ترتیب مردم نیشابور برای چهار ماه از ابوالحسن محمد زباری ملقب به ‟العظام بالله به‌پروری می‌کردند. هنگامی که سید ابوالحسن محمد در صدد قیام علی بن آباده، برادرش ابوعلی محمد، نیشابور، دعوت از میان یکی از مآموران امر نصرا فرآمده اورده (سمعانی: ۱۳۹، بهبهان، لیب، ۲/۴، همسر، سال ۱۵۴؛ امام فخر رازی، ۱۷۳ تا ۱۷۳؛ مروری، ۸۰ از آن چا که این نوعه (عمدی الطالب، ۴۸۷.

الفصل الحفري. ۱۹۴) تصريح کرده است که ابوالحسن محمد بن نابی حمیمی بن علی سپس‌الر امیر نصر، تحول داده شد. می‌توان حساب زد که دعوی ابوالحسن محمد در سال ۳۰۷ ق - بنیه هم زمان با دعوت الشترانی، داعی اسماعیلی - یا پیش از تجدید استیلای حمیمی بر نیشابور در ربع الأول ۳۰۹ ق - بعنی در دوران استیلای لیلی بن نعمان، سپس‌الر حسن بن قاسم زیبی - آغاز شده بود. مؤدین این نکته جهان ماه سکوت ابوعلی محمد در برهه‌ای استیلای احمد بن سهل و لیلی بر نیشابور و سپس اقدام او به دستگیری در زمان تجدید حکمیت امیر نصر بر شهر است. در مورد سرنوشت سید ابوالحسن محمد گفته است که پس از دستگیری به بخارا انتقال یافت و حذف یک سال در زندان امیر نصر گرفتار بود تا آن که مورد عفو صادق و در حالی محترمانه به نیشابور بارگشت که نامش به عنوان نخستین عملی در فهرست مستمری بگینان حكومتی ثبت شده بود (هنمان جا). ضمناً توجه به سکوت منابع.

۲ در میان این نویسندگان، بهبهانی ذکری از نش ابولعلی محمد در دستگیری برادرش به میان نمی‌آورد.
می‌توان حدس زد که ایبالحسن‌سی مهربان تا پایان عمر (۱۳۸۹ ق) هرگز به عرصه سیاست
باشگاه نمی‌کرد.

بیعت نیشابوری‌ها با ایبالحسن‌سی محمد زیباری از جهاتی چند جای توجه دارد.

مقاومت گروه‌های اجتماعی گرونده به‌سیاهی کرده، اسلام‌پرداز و ایبالحسن‌سی محمد
در حالی که نشان دهنده حضور فراشه‌های نظامی در میان اسلام‌پرداز و بیعت کندگان
با ایبالحسن‌سی محمد است، آشکار می‌سازد که مشارکت چشم‌گیر توده‌ها (طبقات
الرعیه) با طبقات شرعی به همراه با حکم ایبالحسن‌سی محمد است. هر چند که
کرامه نیز در طول زمان جنین بپردازی به‌دست اورندند با این تفاوت که بخشی از
کرامه‌یان چنان که ذکر شد، به مناطق روسی‌تبار تعلق داشتند. گفتگوی آن که در منابع
موجود به مخالفت شخصیت‌های دینی شریف با اقدام ایبالحسن‌سی محمد نیز اشاره نشده
است که به نوبه خود می‌تواند بر جنبه بدعوت مستیزی اقدام ایبالحسن‌سی محمد دالست
کند. ضمناً همین خصوصیات، با نشان دادن ماهیت شهرونهای حکم ایبالحسن‌سی محمد، بر
ساختار اجتماعی نیشابور و نیز افزایش نقش طبقات شهری در تحولات محلی دلایل
دارد.

از منظر موضوع پژوهش حاضر، ویژه‌ی‌های یکی گفته حکم ایبالحسن‌سی محمد
بیانگر جایگاه اختصاصی علی‌اکبر زیباری و لغوی ایشان به عنوان چه‌رهای دینی در
نیشابور است. این لغو و همچنین سیاست پروزی نیشابوریان از چه‌ره‌های دینی که فیلی
در مخالفت اهلی شریف به رهبری ابوزکریج به حیکان بین محمد با خجسته‌ی هم
جلوه‌گر شده بود، نمی‌توانست بر امیر نصر و نیز دعات اسلام‌پرداز خودش باشد. زیرا از
یک سوی امیر سامانی، ایبالحسن‌سی محمد را مورد عفو قرار داد، از دیگر سوی طولی
نکشید که فعالیت تبلیغی دعات اسلام‌پردازی از نیشابور ابتدای به‌مرور در شرق خراسان
و سيس ماروا، النهر انفال يافت (نظام الملك، 268-277). أما أنجيه أبو علي محمد زبارى در مورد باردار روا داشته، بي ترديد بخشى از وظائف و مسئوليات هيه بيش. كفترة منصب نائب بود كه ب خوبي از عهدة، كان بر أرم. ضمن اقامة موقيت أمير أبو علي محمد به عنوان تقبلي نيشابور، اهتمس راهبردی، ضرورت سياسي، وكاركرد مؤثر

منصب نائب را نيز به خوبي نمايان كرد.

ادعی خلافت ابولحسن محمد زباري و واکنش قاطع أبو علي محمد تقبلي جنریه

مهمی برای بنو زبارة و سایر علیان نیشابور بود. زیرا هیچ گزارشی از فعالیت سياسي ایشان در باقی مانده دوران نائب ابو علي محمد (۱۰۶۰-۱۰۶۷) در دست نیست. بی ترددی آرامش سياسي حاکم بر نیشابور چه محل استقرار سیستانیان بود (مقصدی، ۳۳۷) در کتاب رشد اقتصادی شهر که همگان از جمله اهل علم از آن پهرماد می شدند(همو، ۳۳۳) عاملی مانع از آن می شد که افراد غربی مورد استقبال قرار گیرد.

چنان که به رغم اختلافات فرهنگی ناشی از فعالیت گزینه و شیعت در نیشابور (همو، ۳۳۶-۳۷) گزارشی از قرن چهارم هجری دال بر درگیری گسترده و موتازعة خشونت آمیز اصحاب حديث و أصحاب رای- يعني اکبریت- با ایشان در دست نیست. این در حالی بود که گروه امیر نصر (حک. ۳۰۱-۳۳۵)، و بزرگان دربارش در بخارا به مذهب اسماعیلی به نتیجه فعالیت‌های دعات اسماعیلی، علی بن حسن مروودی و به ویژه جانشین محمد بن احمد النسفي (نخشی، م Compound)، ثورکات مذهبی- سياسي را موجه می کرد. در واقع واکنش به این تغییر مذهب نه در نیشابور بلکه در بخارا و ماروا، النهر رخ داد که در ۳۳۱ ق به امارت امیر نوح بن نصر و وزارت

1. بیان‌دریای ثانی نکته ضروری است که نقص علم در سازمان دهی حکمت‌های مربوط به مقامه بیا اسلامیه موضوعی به‌مانند. چنان که ارزیابی غایت‌های دعات اسلامیه، از ری به اخلاق تازه حاصل حکمتی غیر جدید کمیته به

2. بیان به مفهوم اکثریت سامان‌ها و درکی ایشان با رقی و پیرویان (همانند ابی زکریا) نیست. سرادان بن است که در نشأه بزرگانی سال‌های ۲۶۳-۲۷۷ و ۳۰۱-۳۳۵ در دانیالی.
بنو زبارة، تشبع اثني عشر و سامانين
نقابت ابوالمحسن يحيى بن محمد زبارة

در شرایط حاکم بر نیشابور و تحت نقابت ابوعلی محمد، فعالیت بنو زبارة و سایر علی‌های به عرضاً علوم اسلامی محدود شد. اشتغال بنو زبارة به عرضاً علم، ظهور چهارده و ده‌ها دیگر را در نسل سوم ایشان به دنبال داشت. در صدر آنها باید از ابوعلی محمد يحيى بن ابوالحسن محمد بن احمد (۴۳۲ هـ) و سپس برادرش ابومنصور ظفر (۴۴۲ هـ) یاد گرد که از مادر نسب به طاهریان می‌بردند. در مورد چاپگاه علمی این دو برادر همین سبک حاکم نیشابوری از ایشان در طبقه ششم علمای نیشابور و مشایخ خود نام بردند (تاریخ نیشابور، ۱۶۴ و ۱۹۱، صرفی ۴۴۲، فارسی ۱۸۵ و ۱۹۷). این دو افزون بر استعماً حديث و فراگیر سارب علوم دینی از بزرگان اهل تثنی، اثر فضل بن شاذان را نزد عم نسب خود، ابوعلی محمد، فراگرفته بودند (به‌پیشین، لیاپ، ۴۴۹، سمعانی، ۱۲۸–۱۲۹). ظهور چنین مطالعاتی موجب تغییر مذهب ابوعلی محمد يحيى بن محمد شد که در منابع متعدد امامیت علی‌های شاگردان او به عنوان یک «محقق عالم مکمل» انت شد. ماهیت با آن‌ها جویان کتاب (سماوک، کتاب الامام، کتاب الفرقان، کتاب الفضاح فی المسح على الخفين، و کتاب الفضاح فی المسح نام برده شده است (نجاشی ۴۴۳، طوسی، الفهرست، ۱۳۷۴، ۱۶۶). نویسانی ابوعلی محمد بن احمد در تصاید نقابت نیشابور و چاپگاه نفوذ

بنوان، فیض مازنی، ترجمه، ۱۳۹۱، تهران.

1- برای مرجع این تحولات و مراحل در این تحولات، رک، نسیم، ۴۹-۵۰، ۲۲۰ به بعد و نیز ۴۹-۵۰.
2- برای مدارک عمیق مراحل، رک، شرح جهان ابوعلیان مسعود بن ابراهیم در ترجمه، ۲۰۲۰-۲۰۲۱، ۱۸۱-۱۸۳، ۱۸۴-۱۸۵.
3- برای مدارک غیر نیشابوری، دکتر حاکم نیشابوری، ۱۸۱-۱۸۳، ۱۸۴-۱۸۵.
اجتماعی پن سیاره موجب آن شد که با مرح وی (۶۳۳ ق) این منصب از سوی آیام منصور بن نوح (۷۰۰-۳۵۰ ق) به برادرزاده‌اش ابومحمد یحیی بن محمد محول شود، که از او عنوان «السید الاجل نقب النقب شیخ الفقه» نداد شد است (بیهقی، لباب، ۲/۹۷ ق). از گزارش شیخ ابرو قاسم البرزی، شاکر و ابومحمد یحیی، چنین گفت که وی با ورود به عرصه سیاست، در نظایش شیوه‌ای متفاوت از عم خود داشت، به ویژه آن که دوران امیر نوح بن منصور سامانی (۷۰۰) که شیعه عصارهای سادات و مشیرونهای تجاوز و تعاون به آنان، نهنگ و مرگ همراه بود (نزام الملك، ۲۸۷ ق) به دلیل شرایط هنگامی که فرستاده خلفای فاطمی، اعریز (۳۶۵-۶۸۳ ق) پس از برخورداری از عینایت امیر نوح در خیارا و در راه بازگشت، در نشیابور در صدده نابودی ابومحمد یحیی بن محمد بر آمد. سید پیشانی کرده و موجبات قنبل فرستاده عزیز را فراهم آورد. این اقدام خشم امیر سامانی را درپی داشت که نیشابور را برای تنبیه به بخارا اختصاص دهد. اما ابومحمد یحیی، در مسیر راه با وی با استفاده از غفلت مأموران، شبانه گریخت و پس از عبور از جیحون به نشیابور مراجعت کرد. این پس ابومحمد یحیی به کارشکنی علیه امیر نوح پرداخت (بیهقی، لباب، ۲/۷۱۰۰ ق); ۵۱۰۰۰ از اطلاعات موجود در مورد ارتباط سید ابومحمد یحیی با صاحب بن عبانی (۳۸۵ ق)، وزیر معروف آل بویه، به خوبی برای آن که یاد می‌رفت، پس از اولین نجات آل بویه در خیارا، بود، به ویژه آن که همه سال ۳۷۳ ق در جرخان در قلمرو آل بویه درگذشت (بیهقی، لباب، ۲/۱۳۱۹ ق). به کننده امام فخر رازی (۲/۱۲۳۶) ابومحمد یحیی به وقت مگر در جرخان ریاست داشت که این خود بر سیاست آل بویه دالال دارد.

در ارزیابی کارنامه نقابی ابومحمد یحیی توجه به این نکته ضروری است که به رغم وجود انگیزه‌های معنی‌داری در قلم فرستاده عزیز(هما در) به نظر مرد که این اقدام با وظایف و مسئولیت هایش به عنوان نقاب که شامل جلوگیری از مدعیان دروغ‌گو در بین
انتقال نقابت نیشابور از علویان حسینی به علویان حسینی

Developer: نیما مهری، منابع تاریخی و معاینات ناسیم نیشابوری

(1) نیشابور به علویان حسینی برگشت. احمد منصوری، نیشابور، ماهنامه تاریخ معاصر، شماره ۱۴۸ (۱۳۸۰)، صفحه ۹۳.

(2) نیشابور به علویان حسینی برگشت. احمد منصوری، نیشابور، ماهنامه تاریخ معاصر، شماره ۱۴۸ (۱۳۸۰)، صفحه ۹۳.
نتیجه

اکرچه در عصر عباس‌یان نقابت از لحاظ نظری منصوبی سیاسی - دینی یا کارکردهای اجتماعی بود، اما در عمل ویج سیاسی آن غلبه داشت. بررسی مناسبات غنی‌الزمان، نیشابور ممکن به بیو زیارت با امرای خراسان نشان می‌دهد که این روابط از ابتدا بر اساس ملاحظات سیاسی شکل گرفته بود و سیاسی نیز باقی ماند. حضور بیو زیارت‌هایی‌که از مذهب رسمی تنها پروری می‌کرده، در نیشابور هم زمان با گسترش شهر و رشد طبقات شهری، به بیو اکنون به‌نوعی امتنع و رونق‌سوز می‌یافتند. بنو زیارت‌های این شرایط به‌هر ترتیب و خود را داشتند. بررسی روانی‌های نیمه‌نداشته و سیاسی‌های نیمه‌نداشت، نشان می‌دهد که طبقات شهری نیشابور، تحت تأثیر تحولات اقتصادی، اجتماعی، آمادگی آن را داشتند که در گزاره حکومتی مشروطه و مقمان، خود به رهبری شخصیت‌های دینی شهر که اهل تنها پرورند، واکنش لازم را در مقابل تهدیدات نشان دهد.

و اگذاری منصب نقابت به بیو زیارت از سوی سامانیان که براساس ملاحظات سیاسی بود، نسبت زیارت را تابعی از اقدام‌های سامانی و معهود به سیاست‌های ایشان می‌کرد که هر دو متعارض بودند. برای نسبت زیارت این شرایط، دو گروگانی بین تحقیقات اجتماعی- انتزاعی، نسبت به نیشابور، و سیاست‌های سامانیان را در پی داشت که به
وقت بی‌لیاقتی ناشی از شفافیت سیاست سامانیان آشکارتر می‌شد. در چنین مواقع، چنان که در زمان ادعا خلافت ابولحسنی محمد بین احمد زیاری رخ داد، تقابل نیشابوری ابوعلی محمد بن احمد زیاری از آن روز قادرش که به وظیفه سیاسی خود، بعنی جلوگیری از ابولحسنی محمد، عمل کند که این خواسته خود سامانیان نیز بود. موفقیت در این مهم موجب موروث شدن موقع نتایج نیشابور در آل زیاره شد و پس از ابوعلی محمد، نتایج نیشابور به ابوعلی محمد یحیی بن ابولحسنی محمد محول گشت.

هنگامی که تغییر سیاست خارجی و مذهبی امیر نوح بن منصور سامانی در قبال قاطعانه مصر و اسامی‌اش زمینه ساز آشکار شدن مجدد دوگانگی مذکور شد، پرای ابوعلی محمد یحیی انجام وظایف نظری نتیجه به رغم همکاری آنها با تعهدات اجتماعی- مذهبی خود او و نیز با سیاست رسمی عباسیان، غیر ممکن گشت. این شرایط، تقابل تقابل ابوعلی محمد یحیی با امیر نوح را در پی آورد. به ویژه آن که ابوعلی محمد یحیی، بر خلاف اسلاف خود و نتیج سابقه، به نشیع لیک علماً تمایل یافته، تغییر مذهب داده بود. امیر نوح نیز پس از مشکوک شدن به علی‌یادان حسینی بنو زیاره به علی‌یادان حسینی پیرو مذهب تسنن یافته. این در حالت بود که سلسله شیعی رقیب سامانیان، آل پیروه، در ابوعلی محمد یحیی معزول یک متحد خوش‌شمار و باوقاتی پاتن و او را در قلمرو خود گرامی داشتند.

در نیشابور انتقال نتایج از علی‌یادان حسینی به حسینی از آن روز و باعث محلی را به دنبال نداشت که برای ساختار اجتماعی- اقتصادی موجود با رهبری جهانی دینی اهل تسنن. برادر تداوم آرامش با نتیجه حسینی پیرو مذهب عامل مرجع بود. پژوهش حاضر همه‌تین نشان می‌دهد که از اهل علم نیشابور، سه‌چهاردهم آنها مذهب شیعی و چهاردهم آنها مذهب اسلام بود. اما از عوالم حکومتی حاکم نیشابوری و شیخ ابوظیباقر بر اینی به نسب روابطی سیاسی مربوط به بنو زیاره
كتابشناسی

الأصصخري، أبو أسدح إبراهيم بن محمد، مسائل الممالك، به كوشش، م. ي. دخويه، لبنان، بريل، 1987 م.

الاصصخري، إبراهيم، مسائل الطالبيين، به كوشش، بيروت، موسعة العلمي، 1998 م.

البكري الحنفي، مغرطي بن قلحة، اكتمال التهذيب في اسماء الرجال، به كوشش، عاقل بن محمد و اسماء بن إبراهيم، قاهره، النافوره الحديثة، 2001 م.

ابن الأثير الجزراك، عبد الدين علي بن محمد، الكامل في التاريخ، بيروت، دار صادر، 1385/1965 م.

لاه في تهذيب الإسلام، به كوشش، د. ينيس، بيروت، دار الثقافة، 1983 م.

ابن حوقل السريني، أبو القاسم، صورة الأرض، به كوشش، م. ي. دخويه، لبنان، بريل، 1339 م.

ابن خردناه، أبو القاسم عبد الله بن عبد الله، المسائل والممالك، به كوشش، م. ي. دخويه، لبنان، بريل، 1889 م.

ابن خلكان، شمس الدين أحمد بن محمد، رؤى الأعيان، به كوشش، د. ينيس، بيروت، 1975 م.
ابن عبه، جمال الدين احمد بن علي، عقدة الطالب في انساب آل ابي طالب، به كوشش م. ح. آل الطالقاني، نجف، حيدر، 1961م.

الفصول التاريخي، به كوشش سيد ج. محدث ارموي، تهران، علمي و فرهنگی. 1363.

ابن الفقهاء الحمداني، ابو عبده الله احمد بن محمد، البلدان، به كوشش م. ي. دخویه، لیدن. 1885م (به كوشش ي. الهادي، بيروت، عالم الكتب، 1416ق).

ابن السديم، محمد بن ابي يعقوب، النهريستان، به كوشش ر. تجدید، تهران. 1971م.

ابيolf الخزرجي، منسوب بن المهليل، سفرتهما، ترجمه س. ل. طباطبایی، تهران، زوار. 1354.

باروتل، و. و. ترکستان تامه (ترکستان در عهد هجوم مغول)، ترجمه ك. كشاورز، تهران، آگاه. 1366.

البهقی، على بن زيد، لباب الافسانه والالتباس والاعتقاد، به كوشش السيد م. الرجایی، قم، مكتبة آية الله الاعظمی التجفی العرشی، 1410ق.

تاريخ بیهقی، به کوشش، ا. بهمنیار، تهران، علمی. 1361.

تاريخ سيستان، به کوشش ملك الشعراء بهار. تهران، كالله خاور، 1314م.

حارم تیشابوری، ابو عبد الله، تاریخ تیشابوری، ترجمه محمد بن حسين خلیفه تیشابوری، به کوشش م. ر. شفیعی کدکنی، تهران، آگاه. 1375.

حدود العالم من الشرق الى المغرب، به كوشش م. ستوده، تهران، طهروي. 1362م.

الخراسانی، محمد جعفر، اکلیل المنهج في تحقيق المطلب، به كوشش سید ج. الحسینی الاشکوئی، قم، دارالحديث، 1382ش.

الخطيب البغدادی، ابو بكر احمد بن علي، تاريخ بغداد، به كوشش م. ع. عطاء، بيروت، دار الكتب العلمي، 1997م.
الذهبي، ابو عبدالله محمد بن احمد، تاریخ الإسلام، به کوشش ع. ع. تدمری، بیروت، دارالکتاب العربي، ۱۳۸۷ م.
رضایاده لنگرودی، ز. نخستین و جنبش قرطبیان خراسان در سده چهارم، جزیره کوب، تاریخ مردم ایران، ج دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۳ م.
itable، مصطفی، جمعه المدرسین در الحوزه العلمیه، ۱۴۳۲ ق.
الصواد، محمد بن علی، کمال الدين و اصفاوت العلمه، به کوشش ع. ا. الغفاری، قم، مؤسسه النشر الاصلی، ۱۴۰۵ ق.
الصیرفی، ابراهیم بن محمد، المنتخب من السياق تاریخ نیسابور، به کوشش م. ک.
محمودی، قم، جامعۃ المدرسین فی الحوزة العلمیة، ۱۴۳۲ ق.
kład، صالح الدین، السواک بالوثبات، به کوشش م. ناوزوط و ت. مصطفی، بیروت، دار اقیان التراث، ۲۰۰۰ م.
الطبری، محمد بن جراح، تاریخ الرسول و الملوك، به کوشش م. ذخیه و دیگران، لیولد، بریل، ۱۸۹۱-۱۹۰۱ م.
الطوسی، سید طلخ الطالقانی محمد بن الحسن، کتاب الرجال، به کوشش ج. القدمی، الاصفهانی، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۵ ق.
_________________________الفهرست، به کوشش ج. القدمی، قم، مؤسسه النشر الفقهیة.
1۴۱۷ ق.
الفارسی، ابوالحسن عبدالله اسماعیل المختصر من کتاب السیاق تاریخ نیسابور، به کوشش م. ک. محمودی، تهران، میراث مکتب، ۱۳۸۳ م.
فخر الرازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، الکتابة المبارکة فی أنساب الطبیبة، به کوشش السيد م. الرحایی، قم، مکتبۃ آیه الله العظمی النجفی العلوم، ۱۴۰۹ ق.
بهرام و نابستان

65

سامانیان و نقبای حسینی تیباپور

مقام بن جعفر، کتاب الخراج، به کوشش، ع. دخویه، لیدن، بریل، 1889.
کاشانی، ابولقاسم عبدالله بن علی، زیده التواریخ(بخش فاطمیان و نزاریان)، به کوشش، م. ت. دانش پژوه، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، 1367.
گردنی، عبدالله بن ضحاک، زین الاحбав، به کوشش، ع. حبیسی، تهران، نیوای.

کتاب، 1367

الحریزی، السيد اسماعیل بن الحسن، الفهری في أئمة الطالبان، به کوشش، السيد م. الرجایی، قم، مکتبه آیه الله العظمی النجفی المرعشی، 1409 ق.
المقدسی، شمس الدین ابو عبدالله محمد، احسن التقاسیم في معرفة الاقالیم، به کوشش م.ی. دخویه، بریل، 1906 م.
المقوقی، نفی الدين احمد بن علی، ادعیة النجفی بأخبار الاطهامي الفضولی، به کوشش، ج. الشیالی، قاهره، 1996.
النجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، رجال(فهرست اسماء مصطفی الشیعه)، به کوشش، م. الشیری خراسانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، 1416 ق.
الترشخی، ابویکر محمد بن جعفر، تاریخ بغداد، به کوشش مدرس رضوی، تهران، بیتاد فرهنگ ایران، 1351.
السنی، نجم الدین عمر بن محمد، القبادی ذکر علماء سعدقوته، به کوشش، ی. الهادی، تهران، آینه میراث، 1378.
نظان المسلم طوسی، ابوعلی حسن سیر الملوك، به کوشش، ی. دارک، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1340.
همدانی، خواجه رشید الدین فضل الله، جامع التواریخ(بخش اسامیالان و فاطمیان و نزاریان و داعیان و رفیقان)، به کوشش، ت. دانش پژوه و م. مدیری، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1338.
البعقوی، احمد بن ابی يعقوب، البلدان، به کوشش، م.ی. دخویه، لیدن، بریل، 1892 م.


